

مذاکرات هسته‌ای آمریکا و کره شمالی از منظر رویکرد امنیت هستی‌شناختی

سید محسن عمادی^۱

ارسالان قربانی شیخ نشین^{*۲}

سید علی منوری^۳

چکیده

آغاز دوستی رهبران آمریکا و کره شمالی در ۲۰۱۸ که منجر به سه دیدار مستقیم میان دونالد ترامپ و کیم جونگ اون شد احتمال خاتمه بحران هسته‌ای کره شمالی را تقویت کرد اما این دیدارها کره شمالی را از ادامه برنامه‌های هسته‌ای و موشکی بازداشت و مذاکرات با آمریکا بدون نتیجه پایان یافت. هدف این پژوهش تبیین علل استمرار برنامه‌های هسته‌ای کره شمالی علیرغم ملاقاتهای سران و ارائه مشوق‌های سیاسی و مالی به این کشور برای پایان دادن به فعالیت‌های هسته‌ای از منظر رویکرد امنیت هستی‌شناختی است و با روش تحلیلی-تبیینی به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چگونه می‌توان براساس مدلولات رویکرد امنیت هستی‌شناختی به نتیجه نرسیدن مذاکرات هسته‌ای کره شمالی و آمریکا در دوران ریاست جمهوری ترامپ (۲۰۱۸-۲۰۲۰) را تبیین کرد؟ در پاسخ فرض بر این است که تلاش رهبران کره شمالی برای حفظ روایت بیوگرافیک مبتنی بر آموزه‌های ایدئولوژیک (جوچه) و دلبستگی متصلب به روالهای رقابتی و خصمانه با آمریکا تبیین کننده استمرار برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای کره شمالی و به نتیجه نرسیدن مذاکرات هسته‌ای این کشور و آمریکا محسوب می‌گردد. زیرا هر گونه اختلال در این روال، از منظر رهبران کره شمالی گسست از روایت بیوگرافیک را در پی داشته و در نتیجه متضمن اضطراب و عدم قطعیت و ناامنی هستی‌شناختی بوده است.

واژگان کلیدی: تسلیحات هسته‌ای، امنیت هستی‌شناختی، مخاصمات پایدار، شبه جزیره کره

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. استاد روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* arsalangh@yahoo.com

۳. عضو هیات علمی گروه روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی پنجاهمین، صص ۹۳-۱۲۹

مقدمه

تلاش‌های کره شمالی برای کسب و توسعه تسلیحات هسته‌ای و موشکی به مدت چند دهه توجه جامعه بین‌المللی از جمله پژوهشگران روابط بین‌الملل و تحلیل سیاست خارجی را به خود جلب کرده است. فعالیت‌های کره شمالی متعاقب بزرگترین آزمایش هسته‌ای این کشور در سال ۲۰۱۶ و سه آزمایش پی در پی موشک‌های بالستیک قاره پیما در ۲۰۱۷ صلح و امنیت بین‌المللی به ویژه امنیت منطقه شرق آسیا را به مخاطره انداخته است. آغاز دوستی رهبران آمریکا و کره شمالی در ۲۰۱۸ که منجر به سه دیدار مستقیم میان دونالد ترامپ و کیم جونگ اون شد احتمال خاتمه بحران هسته‌ای کره شمالی را تقویت کرد اما این دیدارها نیز کره شمالی را از ادامه برنامه‌های هسته‌ای و موشکی بازداشت و مذاکرات با آمریکا بدون نتیجه پایان یافت. این تحولات، تحلیل برای تبیین علل سرسختی رهبران اقتدارگرای کره شمالی برای حفظ تسلیحات هسته‌ای را بیش از پیش ضروری ساخته است. بررسی سیر تطور موضوع هسته‌ای کره شمالی بیانگر این واقعیت است که علیرغم مذاکرات متعدد از اوایل دهه ۹۰ میلادی، رهبران کره شمالی حاضر به کنارگذاشتن برنامه هسته‌ای خود در مقابل دریافت مشوق‌های سیاسی و اقتصادی نشدند. اصرار رهبران کره شمالی بر حفظ توانمندی‌های هسته‌ای و شناسایی شدن به عنوان یک کشور دارای تسلیحات هسته‌ای تمامی مذاکرات و تلاش‌های پیشین جامعه بین‌المللی را بی‌فرجام گذاشته است. پاسخ به علت این رفتار کره شمالی مستلزم تحلیل عمیق ایدئولوژی رسمی رهبران کره شمالی (جوچه^۱)، برداشت این رهبران از تهدیدات خارجی، تلاش برای مشروعیت بخشی به نظام موجود و به طور کلی روایت این رهبران از موقعیت کشور یا روایت بیوگرافیک است که همواره به عنوان یکی از موانع مهم برای حل بحران هسته‌ای در شبه جزیره کره بوده است.

برای مدت طولانی، تحلیل سیاست خارجی کره شمالی تحت سلطه آثار غیر نظری بود که فاقد بینش کلی جهت توضیح رفتار این کشور در موضوع هسته‌ای بوده‌اند. معدود پژوهش‌هایی که رویکرد نظری اتخاذ کرده بودند نیز عمدتاً بر رویکردهای خردگرا برای معنا بخشیدن به سیاست خارجی کره شمالی تکیه داشتند. اما اخیراً تحقیقات در مورد

¹ Juche

سیاست خارجی کره شمالی فراتر از رویکردهای جریان اصلی حرکت کرده است. در این فرآیند، رویکردهای نظری برجسته شده‌اند که به «عوامل غیرمادی» مانند ذهنیت اقتدارگرایی رهبران حاکم بر کره شمالی و هنجارهای ایدئولوژیک یا جهان‌بینی برای کمک به تبیین انگیزه‌ها و رفتار کره شمالی در موضوع هسته‌ای توجه می‌نمایند. این رویکردها با تضعیف این فرض رایج مبنی بر اینکه نیت هسته‌ای رهبری کره شمالی پاسخی سنجیده به محیط خارجی است، استدلال می‌کنند که تصمیم کره شمالی برای هسته‌ای شدن بر اساس تحلیل هزینه و فایده معمولی نیست، بلکه توسط «عوامل غیر عقلانی» مانند احساسات و برداشتهای رهبران از تاریخ، ایدئولوژی و تهدیدات خارجی هدایت می‌شود. براین مبنای پژوهش حاضر با کاربری رویکرد امنیت هستی‌شناختی و با تلفیق دو روش کیفی و کمی با درک روایت بیوگرافیک دولت کره شمالی و سایر مدلولات موجود در این رویکرد در پی تبیین استمرار برنامه‌های هسته‌ای کره شمالی و شکست مذاکرات هسته‌ای آمریکا با این کشور است.

۱. ادبیات تحقیق

علیرغم آنکه موضوع امنیت هستی‌شناختی در یک دهه اخیر در غرب مورد توجه زیادی قرار گرفته است اما در ایران این موضوع به تازگی مطرح شده و مقالات اندکی در خصوص این رویکرد در حوزه روابط بین‌الملل وجود دارد. ترجمه کتاب امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل برنت جی استیل^۱ توسط دهقانی فیروز آبادی و دیگران (دهقانی، ۱۳۹۲) شاید تنها کتاب در خصوص این رویکرد در زبان فارسی است. دهقانی همچنین دو مقاله با استفاده از این رویکرد به زبان فارسی به چاپ رسانده و طی آن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داد (دهقانی، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱). در کاری مشابه رستمی و حسن آبادی با بهره‌گیری از رویکرد امنیت هستی‌شناختی استمرار مناقشه هسته‌ای ایران و غرب را مورد تحلیل قرار دادند (رستمی و حسن آبادی، ۱۳۹۴). آنان با بهره‌گیری از مفاهیم شرم، هویت و روایت بیوگرافیک در چارچوب این رویکرد موضوع استمرار مناقشه هسته‌ای ایران و غرب را تحلیل نموده‌اند.

^۱ Brent J. Steele

همچنین مشیرزاده موضوع نهضت ملی شدن نفت ایران را با به کارگیری این رویکرد مورد تحلیل قرار داده است (مشیرزاده و خانلرخانی، ۱۳۹۹). در ارتباط با موضوع این مقاله و بررسی برنامه هسته‌ای کره شمالی از منظر رویکرد امنیت هستی‌شناختی منبع فارسی مشاهده نشده است. ادبیات مربوط به رویکرد امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل در خارج از ایران دارای غنای بیشتری است و عمده این پژوهش‌ها توسط هوپزمنز^۱، مک سوینی^۲، منرز^۳، کینوال^۴، میتزن^۵، زاراکول^۶، رومیلی^۷ و استیل انجام شده است. در مجموع پژوهش‌های مربوط به امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل از سه جنبه الف: سطح تحلیل پژوهش (فرد، جامعه، گروه، دولت) ب: موضوعات مورد بررسی (همکاری، درگیری، خشونت، ثبات یا تغییر) و ج: روش پژوهش (کمی، کیفی، گفتمانی) دارای تنوع و تفاوت هستند.

مک سوینی (McSweeney, 1999) در کتاب امنیت، هویت و منافع: جامعه شناسی روابط بین‌الملل، مخاطبان روابط بین‌الملل را به سمت رابطه بین امنیت، هویت و منفعت هدایت می‌کند. وی مفهوم امنیت هستی‌شناختی را به طرح سازه‌انگاری متعارف الحاق می‌کند و بر این عقیده است که امنیت و هویت را نمی‌توان به طور مستقل تحلیل کرد.

کینوال (Kinnvall, 2004, 2017) مفهوم امنیت هستی‌شناختی را برای یک بحث تجربی مطرح کرد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه جهانی‌سازی، که جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در همه جا تغییر می‌دهد، احساس قطعیت را تضعیف کرده و امنیت هستی‌شناختی آحاد ملت را بی‌ثبات می‌کند.

میتزن (Mitzen, 2006) در مقاله خود تحت عنوان امنیت هستی‌شناختی در سیاست بین‌الملل: هویت دولت و معمای امنیت خاطرنشان می‌کند که فعالیت‌های روزمره و روالها، به عادت کنشگران منجر می‌شوند. چنین شیوه‌های ثابت به افزایش احساس امنیت وجودی کمک می‌کنند. به عبارت دیگر، روتین‌ها (روال‌ها) اساس امنیت هستی‌شناختی

¹ Huysmans

² McSweeney

³ Manners

⁴ Kinnvall

⁵ Mitzen

⁶ Zarakol

⁷ Rumelili

را تولید و بازتولید می‌کنند، زیرا نظام اعتماد بنیادین را تشکیل می‌دهند. افرادی که از فعالیت‌های روالمند محروم هستند، در معرض احساس ناامنی وجودی قرار دارند. برنت استیل (Steele, 2008) امنیت هستی‌شناختی را نیاز دائمی دولت‌ها می‌داند. استیل از رویکرد امنیتی هستی‌شناختی برای توضیح مواردی مانند عدم مداخله بریتانیا در جنگ داخلی آمریکا، مقاومت بلژیک در برابر آلمان در جنگ جهانی دوم و مشارکت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در کوزوو در سال ۱۹۹۹ استفاده کرده است.

زاراکول (Zarakol, 2010, 2017) معتقد است امنیت هستی‌شناختی به «میل بازیگران به داشتن یک خود منسجم و تأیید چنین حسی توسط دیگران» اشاره دارد. برای نظریه‌پردازان امنیت هستی‌شناختی، فقدان شناسایی، دولت‌ها را تنها از امکان تحقق هویت خود محروم نمی‌کند بلکه آنان را از نظر هستی‌شناختی ناامن می‌کند.

روملیلی (Rumelili, 2013, 2015) در پژوهش خود تحت عنوان حل تعارضات و امنیت هستی‌شناختی: اضطراب صلح به موضوع درگیری‌ها از منظر امنیت هستی‌شناختی پرداخته است. وی استدلال می‌کند که صلح می‌تواند در کشورهایی که به روال‌های طولانی مدت درگیری عادت کرده‌اند موجب اضطراب وجودی شود. این اضطراب می‌تواند فرآیندهایی را تحریک کند که درگیری‌ها را دوباره فعال می‌کند. تعارض ممکن است امنیت فیزیکی را تهدید کند، اما امنیت هستی‌شناختی را تأمین نماید. ادبیات درباره کره شمالی نیز در سال‌های اخیر هم در داخل ایران و هم خارج از کشور رشد فزاینده‌ای داشته است اما این هشدار چارلز آرمسترانگ همچنان معتبر است که تعداد کمی از این کارها را می‌توان تحقیقات دقیق و مبتنی بر شواهد نامید. (Armstrong, 2011: 357) چند کتاب معدود درباره کره شمالی که در ایران انتشار یافته‌اند ترجمه روایت‌های پناهندگان و افراد متواری از کره شمالی هستند که برآنها نمی‌توان نام پژوهش‌های آکادمیک اطلاق کرد. کتاب نیم دانگ پیونگ یانگ تألیف رضا امیرخانی تنها کتاب تألیفی در خصوص این کشور است (امیرخانی، ۱۳۹۸) این کتاب سفرنامه مؤلف به کره شمالی و در سبک ژورنالیسم است. اما در زمینه چاپ مقالات پژوهشی وضعیت مناسب‌تری وجود دارد. این مقالات به دلیل شباهت برنامه‌های هسته‌ای کره شمالی با

ایران بیشتر بر برنامه‌های هسته‌ای این کشور متمرکز شده‌اند. از جمله می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

نگاه جامعه‌شناسانه^۱ سیاسی به نگرش قدرت‌های بزرگ به برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی (قوام و دیگران، ۱۳۹۹)، ارزیابی مشروعیت آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی در حقوق بین‌الملل (محمودی و راستگو، ۱۳۹۶) آمریکا و برنامه هسته‌ای کره شمالی (صدیق، ۱۳۹۹) بحران تصمیم‌گیری در بحران اتمی کره شمالی (اسلامی، ۱۳۹۵)، رقابت استراتژیک ابرقدرت‌ها؛ نقش و جایگاه چین و آمریکا در پرونده هسته‌ای کره شمالی (ابراهیمی، ۱۴۰۰)، تبیین سیاست خارجی دونالد ترامپ در رویارویی با بحران هسته‌ای کره شمالی: واکاوی متغیرهای سطح تحلیل خرد (ملکی، اسماعیلی، ۱۳۹۹)، سیاست دونالد ترامپ و مساله هسته‌ای کره شمالی (دولت آبادی و درج، ۱۳۹۷)، باورهای بنیادین رهبران، برداشت‌ها از تهدید و تخصیص ایالت متحده آمریکا و کره شمالی، (شریفی و کرمی، ۱۳۹۷)

شریفی و کرمی (۱۳۹۷) با در نظر گرفتن نقش باورهای رهبران دو کشور ایالات متحده آمریکا و کره شمالی در طول دهه‌های گذشته و برداشت آنها از تهدید، به ارزیابی دلیل تداوم خصومتها میان دو کشور پرداخته و برداشت خصمانه از نیت طرف مقابل و تفسیر هرگونه اقدامی به عنوان تلاش برای تهدید امنیتی را سبب تداوم ناکامی اقدامات برای رسیدن به یک راه حل نهایی صلح دانستند. این دو نتیجه می‌گیرند که داشتن تسلیحات هسته‌ای به بخشی از هویت ملی کره شمالی تبدیل شده است. امنیت هستی‌شناختی این کشور پیوندی انفکاک ناپذیر با تسلیحات هسته‌ای پیدا کرده است که رهبران این کشور حتی به بهای تهدید امنیت فیزیکی حاضر به دست کشیدن از آن نیستند. وجود چنین برداشتی است که تمامی مذاکرات را با پیش شرط غیرهسته‌ای شدن کره شمالی ناکام گذاشته است.

در خارج از ایران پژوهش‌ها در ارتباط با کره شمالی در سالهای ۲۰۱۶ الی ۲۰۲۲ افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. اغلب این پژوهش‌ها حول سه موضوع کلی نظام سیاسی کره شمالی، برنامه‌های هسته‌ای و موشکی این کشور و هویت جامعه کره شمالی شکل

گرفته‌اند. هیمنز نظام سیاسی کره شمالی را با مفهوم وبری «نوپاتریمونیالیسم»^۱ منطبق می‌داند. رژیم‌های نوپاتریمونیال که با رعیت‌گرایی و حاکمیت «بزرگ‌مرد» شخصی‌گرا مشخص می‌شوند، نقطه مقابل نوع ایده‌آل «قانونی-عقلانی» هستند. در واقع، دانشمندان برجسته جامعه‌شناسی از دسته‌بندی کره شمالی به عنوان یک مورد افراطی از نوپاتریمونیالیسم یا به عبارت دیگر، به عنوان یک رژیم «سلطانی» دریغ نمی‌کنند. (Hymans, 2008) دومین محور مورد تمرکز در پژوهش‌های خارج از کشور مرتبط است با بحران هسته‌ای و موشکی این کشور و تأثیر آن بر نظم و امنیت جهانی و منطقه‌ای. در کتاب کره شمالی و سلاح‌های هسته‌ای، کیم و کوهن به کشورهای کره جنوبی، ژاپن و آمریکا هشدار می‌دهند که دستیابی کره شمالی به سلاح هسته‌ای قدرت بازدارندگی این کشور را گسترش می‌دهد. نویسندگان در ادامه تحلیلی از پیامدهای هسته‌ای شدن کره شمالی به عنوان تهدیدی علیه نظم و امنیت بین‌المللی ارائه می‌دهند (Kim & Cohen, 2017). در کتاب بحران کره شمالی و پاسخ‌های منطقه‌ای، وایز و دیگران (Vyas & others, 2015) بحران‌های کنونی در جهان و منافع و مواضع متضاد کشورها در قبال دولت کره شمالی مورد بررسی قرار داده‌اند.

پارک و سو (Park & Seo, 2022) در پژوهش خود با تمرکز بر هویت به بررسی علل اساسی درگیری‌های لاینحل از جمله کره شمالی می‌پردازند. این تحقیق فرض می‌کند که تعارض‌ها تحت تأثیر تعاملات بین متغیرهای کلیدی چارچوب هویت قرار دارند. بالباخ (Ballbach, 2015) مهم‌ترین گفتمان سیاست خارجی کره شمالی در دوران پس از جنگ سرد یعنی گفتمان جنگ دیپلماتیک را تحلیل می‌کند که از طریق آن برنامه هسته‌ای کره شمالی به مرحله اجرا در می‌آید و به عنوان اقدامی قابل قبول و مناسب برای دفاع از خود در برابر دیگران - در درجه اول ایالات متحده تلقی شده است.

ادبیات نسبتاً غنی در ارتباط با مذاکرات هسته‌ای ترامپ و کیم جونگ اون در خارج از کشور وجود دارد. په و پارک (Peh & Park, 2021) در پژوهش خود تحت عنوان خلع سلاح هسته‌ای و وابستگی به مسیر در سیاست آمریکا در باره کره شمالی، با توجه به شکست مذاکرات سران آمریکا و کره شمالی به این موضوع پرداختند که آیا اساساً تعامل

¹ neopatrimonialism

با کره شمالی مفید است یا خیر؟ لئون سیگال (Sigal, 2020) در پژوهشی به نام هموار با حسن نیت: دیپلماسی هسته‌ای ترامپ با کره شمالی معتقد است که اولین نشست سران ایالات متحده و کره شمالی در سنگاپور به یک توافق اصولی منجر شد که خواسته‌های کلیدی هر دو طرف را برآورده می‌ساخت، اما دو رهبر در هانوی خواسته‌هایی فراتر از معمول طرح کردند که منجر به عدم توافق شد.

۲. چارچوب نظری: امنیت هستی‌شناختی

«امنیت هستی‌شناختی» به معنای داشتن یک احساس منسجم از «خود» و تأیید آن حس توسط دیگران است (Zarakol, 2017: 1). این مفهوم نزدیک به دو دهه پیش از روانشناسی و جامعه‌شناسی به ادبیات روابط بین‌الملل وارد شد با این استدلال که دولت‌ها، درست مانند افراد، به امنیت هستی‌شناختی خود اهمیت می‌دهند و به گونه‌ای عمل می‌کنند تا احساس پایداری را از "خود" حفظ کنند (Zarakol, 2017: 1). لینگ (Laing 19909) که مبدع اصطلاح امنیت هستی‌شناختی است، روانپزشکی بود که در پژوهش خود در سال ۱۹۶۰ به نام "خود تقسیم شده" به دنبال درک بیماران اسکیزوئید و اسکیزوفرنیک^۲ - افرادی که نمی‌توانند انتظارات جامعه را برآورده کنند - بوده است. وی امنیت هستی‌شناختی را تجربه خود به عنوان «واقعی، زنده، کل، و به معنای زمانی، یک فرد مستمر» تعریف می‌کند.

آنتونی گیدنز اصطلاح امنیت هستی‌شناختی را از لینگ به عاریت گرفته است. وی با دادن چرخش جامعه‌شناختی به این مفهوم، امنیت هستی‌شناختی را «در اختیار داشتن "پاسخ‌هایی" در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای برخی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان در طول عمر خود به نحوی مطرح کرده‌اند، تعریف کرده است (Giddens 1991:47). گیدنز در چگونگی این پاسخ‌ها بر اهمیت روال‌هایی که از طریق بازتابی^۳ تحت نظارت قرار دارند و همچنین توانایی حفظ روایت بیوگرافیک تأکید می‌کند (Ibid:37-41). گیدنز می‌گوید موجود انسانی بودن بدان معنا است که عملاً در تمام حالات و زمانها و به هر تفسیر و تعبیری که باشد هم بدانیم که چه می‌کنیم و هم

¹ The divided self

² schizoid and schizophrenic

³ reflexively monitored routines

بدانیم چرا چنین می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۹۸: ۵۹). امنیت هستی‌شناختی که به طور عام به ظرفیت یک سوژه (فرد، جامعه یا دولت) برای حفظ دیدگاهی پایدار از محیط خود و در نتیجه «ادامه» زندگی روزمره اشاره دارد برای ارائه توضیحات جایگزین از پدیده‌های مختلف، از بازتولید معضل امنیت، تحلیل درگیری‌های مزمن و طولانی بین دولت‌ها، اضطراب و ترس در روابط بین‌الملل تا افراط گرایی در عصر تروریسم جهانی، استفاده شده است (Croft, 2012).

امنیت هستی‌شناختی در مطالعات روابط بین‌الملل، تأمین امنیت هویت شخصی^۱ در طول زمان را نیروی محرکه می‌داند و معتقد است دولت‌ها به دنبال اقداماتی هستند که نیازهای هویتی‌شان را پاسخ می‌دهد حتی اگر این اقدامات به وجود فیزیکی‌شان لطمه بزند. برخی با انتقال این مفهوم به حوزه مطالعاتی روابط بین‌الملل مخالفت کرده‌اند با این بیان که دولت‌ها «خود» ندارند و بنابراین نمی‌توانند به امنیت هستی‌شناختی اهمیت دهند. این ایراد، استعاره «دولت به‌عنوان یک کنشگر واحد» را به‌طور کلی در روابط بین‌الملل نادیده می‌گیرد. اگر دولت‌ها خود نداشته باشند، نمی‌توانند به بقای فیزیکی اهمیت دهند یا به عنوان عوامل کنشگر عقلانی هدفمند در نظر گرفته شوند. بدون امنیت هستی‌شناختی، خود نمی‌تواند بداند از کجا شروع می‌شود و به کجا ختم می‌شود و آنچه برای بدن (و بقای آن) ضروری است، تنها توسط خود می‌تواند تعریف شود (Zarakol, 2017: 1). به عبارت دیگر، هر نظریه روابط بین‌الملل که اهمیت بقاء دولت‌ها را مفروض می‌گیرد، به طور ضمنی دولت را یک کارگزار جستجوگر امنیت هستی‌شناختی نیز فرض می‌کند. با این حال، تا ظهور اخیر ادبیات امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل توسط پژوهشگرانی مانند هویزمنز، مک سوینی، منرز، کینوال، میتزن، زاراکول، رومیلی و استیل ابعاد امنیت هستی‌شناختی کارگزاری دولتی مورد توجه نبوده است. رشد این ادبیات، اکنون به ما فرصتی می‌دهد تا بررسی کنیم که چرا برخی دولت‌ها- همانند رفتار کره شمالی در درگیری طولانی مدت با آمریکا و استمرار برنامه‌های هسته‌ای- به شیوه‌ای عمل می‌کنند که با نظریه‌های متعارف روابط بین‌الملل قابل تحلیل نیستند. مطالعات موجود در روابط بین‌الملل در خصوص امنیت هستی‌شناختی متنوع و متفاوت از

¹ Self-identity

یکدیگر هستند. دلایل تمایز این دیدگاهها تمرکز بر سوژه‌های مرجع مختلف (فرد، جامعه/ گروه، دولت)، موضوعات سیاسی مختلف (همکاری، درگیری، خشونت، ثبات یا تغییر) و روش‌های متفاوت (کمی کیفی، گفتمانی) بوده است. این تنوع گرچه در بدایت امر یک چالش به نظر می‌رسد اما در عین حال مولد نیز هست و بر تعمیق مباحث تاثیرگذار بوده است. بنابراین، هیچ نظریه امنیت هستی‌شناختی جامعی درباره سیاست جهانی وجود ندارد. البته این بدان معنا نیست که دانش امنیت هستی‌شناختی فاقد یک هسته است.

رویکرد امنیت هستی‌شناختی بر تأثیر درک از خویشتن بر شکل‌گیری کنش تاکید دارد (Mitzen & Larson, 2017). در این رویکرد، هویت و کنش به طور بازتابی یکدیگر را تقویت می‌کنند. بنابراین برای بودن و کنشگری نیاز به ارائه یک روایت منسجم و پایدار از خود وجود دارد. گیدنز این روایت را روایت بیوگرافیک^۱ یا "روایت خود" می‌نامد: داستان یا داستان‌هایی که به وسیله آنها هویت شخصی هم توسط فرد مورد نظر و هم توسط دیگران به طور بازتابی درک می‌شود (Giddens, 1991). هویت دولتها که براساس روایت خود در طی زمان شکل گرفته است، کنش‌های سیاست خارجی در عرصه روابط بین دولتها را امکان‌پذیر می‌کند (استیل، ۱۳۹۲: ۱۶). این تصور از خود همان روایت بیوگرافیک است. روایتی که یکی از تجلیات تولید واقعیت است، زیرا هویت کارگزار به آن وابسته است (استیل، ۱۳۹۲: ۲۸). از منظر گیدنز خود به منزله تصویری بازتابی از خویشتن است که فرد مسئولیت آن را بر عهده دارد. حقیقت وجود ما همانی نیست که هستیم بلکه چیزی است که از خویشتن می‌سازیم.... بدین ترتیب روشن می‌شود که هویت شخصی، به عنوان پدیده‌ای منتظم مستلزم روایت معینی است: روایت خود باید صریح و بی‌اما و اگر باشد (گیدنز، ۱۳۹۸: ۱۱۲-۱۱۳).

روایت بیوگرافیک برای هویت شخصی اهمیت دارد زیرا امکانی را فراهم می‌کند که از طریق آن کارگزاران درک خود از صورت بندی اجتماعی و جایگاه خود در این صورت بندی را تنظیم و ابراز می‌کنند. کنشگران، با درجات متفاوتی از موفقیت، از روایت به

¹ biographical narratives

عنوان شکلی از آگاهی گفتمانی^۱ استفاده می‌کنند که از طریق آن به کنش‌های خود معنا می‌بخشند. همانند سایر روایت‌های روابط بین‌الملل، روایت بیوگرافیک واقعیت را آن‌گونه که کنشگر درک می‌کند، می‌سازد. کارگزاران دولت هویت خود را با اعمال خود مرتبط می‌کنند و خود را در بستر جامعه بین‌المللی قرار می‌دهند. روایت‌ها به رویدادها معنا می‌بخشند و چگونگی ارتباط بین رویدادها را معنا می‌کنند. روایت‌ها رویدادهای زمانی را به هم پیوند می‌دهند به طوری که می‌توان معنا را به یک الگو نسبت داد. نفس سازماندهی زمان، به رویدادها معنا می‌بخشد.

پژوهشگران روابط بین‌الملل با بررسی نقش روایت در توسعه هویت شخصی، نظریه امنیت هستی‌شناختی را برای دولت-ملت‌ها اعمال کرده‌اند. به طور خاص، امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل مفروض می‌گیرد که دولتها دارای هویت شخصی هستند که مبتنی است بر روایت بیوگرافیک یعنی داستانی که یک دولت درباره چیستی خود می‌گوید. تصورات دولتها از خود مبتنی بر یک روایت زندگی‌نامه‌ای غالب است، روایتی که از تجربیات تاریخی خود برای ارائه «داستان‌های آرامش‌بخش [درباره خود] در زمان افزایش ناامنی هستی‌شناختی و اضطراب وجودی استفاده می‌کند» (Kinnvall, 2004: 755). رویکرد امنیت هستی‌شناختی فرض می‌کند که دولتها، مانند افراد، به درک پایدار از خود نیاز دارند. اکثر فعالان در این موضوع هویت‌های یکپارچه^۲ را به دولتها نسبت می‌دهند - یا معتقدند حداقل دولتها به دنبال هویت‌های یکپارچه هستند - و معتقدند که این هویت‌ها توسط فعالیت روزمره و روال‌های سیاست خارجی و روایت‌های بیوگرافیک دولت و مردم به دست آمده و حفظ می‌شوند. این روال‌ها و هویت‌ها و روایت‌های مرتبط با آنها، سیاست‌گذاران را هدایت و محدود می‌کنند.

نیاز به امنیت هستی‌شناختی، محرکی است که با تحمیل نظم ادراکی بر محیط، عدم قطعیت را به حداقل می‌رساند. کنشگران این کار را با ایجاد یک «پایه حفاظتی»^۳ انجام می‌دهند که «در عمل به منزله سرپوش گذاشتن بر تمام رویدادهای احتمالی است که می‌توانند تمامیت جسمانی یا روانی فرد انسانی را به خطر بیندازند» (گیدنز، ۱۳۹۸: ۶۶)

^۱ discursive consciousness

^۲ unitary identities

^۳ Protective cocoon

از آنجایی که این پيله کنشگران را قادر می‌سازد که مطمئن شوند که دنیای ادراکی آنها بازتولید خواهد شد، لذا به پیروی از گیدنز این پيله حفاظتی، نظام اعتماد بنیادین^۱ کنشگر نام گذاری شده است (Mitzen, 2006: 346). ساز و کار ایجاد اعتماد بنیادین، روتین‌سازی^۲ (روالمندی) است که زندگی اجتماعی را منظم می‌کند، و این امر زندگی و خود را قابل شناخت می‌سازد. روال‌ها پاسخ‌های ادراکی و رفتاری برنامه‌ریزی شده درونی به اطلاعات یا محرک‌ها هستند. برخی از این روال‌ها کاملاً شخصی هستند، اما روابط اجتماعی منبع مهمی برای روال سازی محسوب می‌شوند.

از آنجا که روال‌ها هویت را حفظ می‌کنند، کنشگران به آنها وابسته می‌شوند. افراد احساس عاملیت را دوست دارند و به شیوه‌هایی وابسته می‌شوند که به آنها احساس کارگزاری می‌دهد. وابستگی به روال‌ها به دو شکل متصلب و منعطف وجود دارد. در صورتی که وابستگی به شکل منعطف باشد، نگرش فرد نسبت به روال‌ها بازتابی است به این معنا که فرد می‌تواند فاصله انتقادی از آنها بگیرد (Willmott, 1986: 113-14). در صورت بروز اختلال در روال‌ها، کنشگر دارای وابستگی منعطف می‌تواند از طریق تولید روال‌های جدید بر عدم قطعیت ناشی از اختلال فائق آید. به عبارت دیگر، کنشگر روال‌ها را فی نفسه به عنوان اهداف تلقی نمی‌کند. در مقابل، کنشگر دارای اعتماد بنیادین متصلب قادر به حفظ فاصله از روال‌های روزمره نیست. او با روال‌ها به عنوان هدف رفتار می‌کند تا وسیله‌ای برای تحقق اهداف. وقتی کنشگر به جای تصور از خود که روال‌ها از آن محافظت می‌کنند، بیش از حد بر روال‌ها سرمایه‌گذاری کند، در این صورت حتی اختلالات موقتی نیز به شدت تهدیدکننده به نظر می‌رسند و پاسخ، تمسک کامل به روال‌ها است حتی اگر این روال‌ها تهدید فیزیکی را بازتولید کنند (Ibid, 118). مشکل این است که کنشگر به حدی با روال‌ها همذات پنداری می‌کند که اختلال در روال‌ها، مرزهای ادراکی - عاطفی خود را تهدید می‌کند و فرد می‌داند که عدم قطعیت شدید در کمین است. با تشدید مشکل، کنشگر هر چه بیشتر از نیاز خود به روال‌ها آگاه باشد، اضطراب بیشتری احساس می‌کند و با اجبار بیشتری به روال‌ها می‌چسبد. رها

¹ Basic trust system

² Routinization

کردن آنها منجر به از بین رفتن حس عاملیت می‌شود. در این شرایط، گسست از روال‌ها باعث اضطراب^۱ زیاد (Mitzen, 2006:347) و شرم^۲ (Steele, 2008) می‌شود. مهم‌ترین تأثیر مفهومی امنیت هستی‌شناختی، تغییر در تعریف امنیت است. امنیت هستی‌شناختی، در مقابل امنیت به‌عنوان بقا قرار دارد. امنیت هستی‌شناختی، امنیت بدن نیست، بلکه امنیت نفس (وجود) است، درک ذهنی از کیستی فرد، که انگیزه و امکان کنش و انتخاب را فراهم می‌کند (Mitzen, 2006:344). امنیت هستی‌شناختی مسیر متفاوتی برای درک امنیت در مقایسه با نظریه‌های مرسوم روابط بین‌الملل محسوب می‌شود و در نتیجه «جستجوی امنیت» از طریق پویایی متفاوت از شیوه‌های سنتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این امر، توجه را به سایر انواع کنش‌ها به عنوان امنیت جویی جلب می‌کند. رویکرد امنیت هستی‌شناختی نشان می‌دهد که کنشگران در سیاست جهانی به همان اندازه امنیت فیزیکی به دنبال امنیت هستی‌شناختی نیز هستند لذا درگیری و جنگ ممکن است از طرق متفاوتی ناشی شود و توسط پویایی‌های متفاوتی در مقایسه با آنچه که مطالعات روابط بین‌الملل تاکنون بیان می‌کرده است حفظ شوند (Lupovici, Mitzen, 2006b; 2019). نیازهای امنیت هستی‌شناختی می‌تواند از طریق درگیری و جنگ برآورده شود. به عقیده میتزن بر خلاف مفروض واقعگرایی که دولتها را در صدد فرار از تنگنای امنیتی می‌پندارد دولتها به استقبال تنگنای امنیتی می‌روند تا از این طریق امنیت هستی‌شناختی خود را تأمین کنند. (Mitzen, 2006a)

امنیت هستی‌شناختی دولتها، معضل دیگری را نیز در سیاست بین‌الملل آشکار می‌کند: امنیت هستی‌شناختی می‌تواند با امنیت فیزیکی در تضاد باشد. حتی یک رابطه مضر یا خود ویرانگر می‌تواند امنیت هستی‌شناختی ایجاد کند، به این معنی که دولتها ممکن است به تعارض و درگیری گره بخورند. دولتها ممکن است در واقع درگیری پایدار ولی همراه با قطعیت خود را به وضعیت ناآرام عدم قطعیت عمیق در مورد هویت دیگری و هویت خود ترجیح دهند. بنابراین، پویایی دست‌یابی به امنیت هستی‌شناختی، پیوند معمای امنیتی و عدم قطعیت و تعارض را تغییر می‌دهد و نشان می‌دهد که تعارض

¹ Anxiety

² shame

می‌تواند ناشی از عدم قطعیت نباشد، بلکه به دلیل قطعیتی باشد که چنین روابطی در ارتباط با هویت و ساخت معنایی ارائه می‌دهد.

جدول شماره ۱: تفاوت امنیت سستی و امنیت هستی‌شناختی (Steele, 2008)

امنیت هستی‌شناختی	امنیت سستی	
بودن/ هستی	بقا	امنیت به منزله
روال‌های عادی و هویت	توزیع قدرت	کارگزار شکل می‌گیرد با
اضطراب	ترس (در مقابل تهدید)	چالش/منع ناامنی
تفاوت در روایت بیوگرافیک و رفتار	آسیب‌پذیری	نتیجه تصمیم غلط در رویارویی با
بالفعل، ندامت گفتاری وضعیت‌های	تغییر در توانایی‌های فیزیکی	چالش
بحرانی عادی شده	تلفات جانی، تخریب	اندازه‌گیری نتیجه
تغییر در هویت، تغییر در روال عادی	تغییر در توزیع قدرت	تغییر ساختاری...
کارگزار		

بنابراین، امنیت هستی‌شناختی می‌تواند برداشت متفاوتی از چرایی تداوم تعارضات ارائه دهد. واقع‌گرایان استدلال می‌کنند که معمای امنیتی به دلیل عدم قطعیت در نیت دیگران پایدار است. میتزن برخلاف این استدلال معتقد است که معمای امنیتی به این دلیل پایدار است که منبع قطعیت است، قطعیت رابطه خود با دیگری و استمرار روال‌ها و تثبیت هویت و روایت بیوگرافیک. بنابراین ادامه معضل امنیت یک گزینه مطلوب برای حفظ امنیت هستی‌شناختی است (Mitzen, 2006a).

فرض اساسی در امنیت هستی‌شناختی، تمایز بین امنیت فیزیکی به عنوان «رهایی از ترس» و امنیت هستی‌شناختی به عنوان «رهایی از اضطراب» است. اضطراب یک مفهوم کلیدی در مباحث مربوط به حل درگیری‌ها است. پژوهش‌های امنیت هستی‌شناختی معتقد است که حل تعارض موجب پیدایش اشکال و درجات مختلف اضطراب در سطوح فردی، اجتماعی و دولتی می‌شود. برای درک ما از اضطراب و نقش آن در

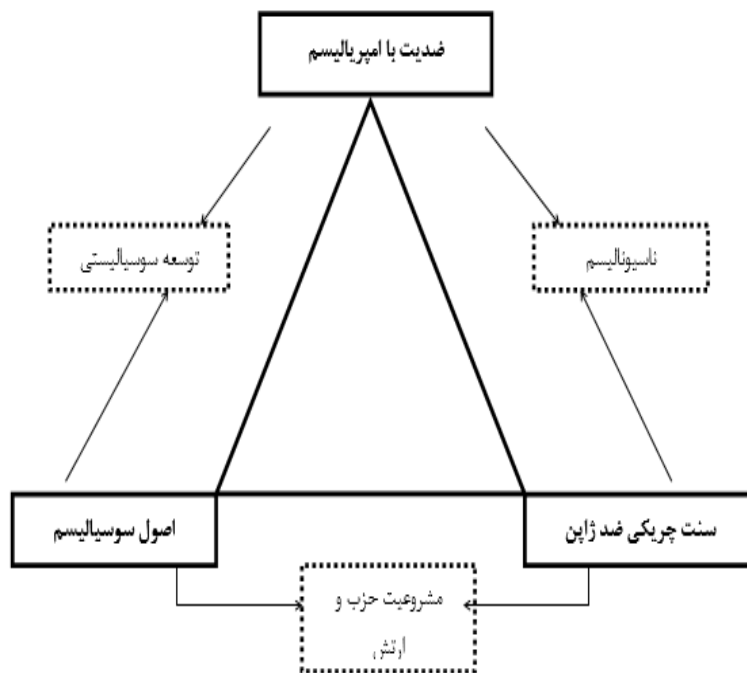
فرآیندهای حل تعارض، تمایز و رابطه بین اضطراب و ترس بسیار مهم است. درحالی که ترس پاسخی به یک تهدید خاص است و بنابراین هدف مشخصی دارد، اضطراب حالت تعمیم یافته‌ای از احساسات فرد است. ترس یک هدف مشخص دارد که می‌توان با آن روبرو شد، تحلیل کرد، مورد حمله قرار گرفت و تحمل کرد. مثال برجسته، تفاوت بین ترس از مرگ و اضطراب از مرگ است. در حالت اول، ترس به سمت رویداد مورد انتظار کشته شدن در اثر بیماری، تصادف یا خشونت هدایت می‌شود و با اقدامات محافظتی در برابر علل احتمالی مرگ این ترس برطرف می‌شود. درمقابل، اضطراب در مورد مردن از ناشناخته‌های مطلق پس از مرگ و چشم انداز عدم وجود ناشی می‌شود (Tillich 2000:37-8). حل منازعات، امنیت فیزیکی را بهبود می‌بخشد، اما می‌تواند موجب ناامنی هستی‌شناختی شود. امنیت زدایی^۱، یا فرآیند از بین بردن دلایل ترس، در واقع باعث تقویت صلح می‌شود. با این حال، پیامد ناخواسته امنیت‌زدایی ممکن است همان چیزی باشد که رومیلی آن را «اضطراب صلح^۲» می‌نامد، حالتی از عدم آرامش که ناشی از بی‌ثبات‌سازی فکری پس از حل مناقشه است (Rumelili, 2015: 12).

۳. رویکرد امنیت هستی‌شناختی و مطالعه رفتار کره شمالی

روایت بیوگرافیک کره شمالی با مثلث هویتی سوسیالیسم، ضدیت با امپریالیسم و سنت چریکی ضد ژاپن شکل گرفت و با مرور زمان با حفظ پایه‌های اصلی تنوع و گستردگی پیدا کرد.

¹ Desecuritization

² peace anxiety



سه رکن هویتی مذکور با یکدیگر درهم تنیده شده و به تحکیم جامعه کره شمالی کمک کرده است و حالت منحصر به فردی از ترکیب ایدئولوژی، اقتصاد، و حزب-دولت را ایجاد کرده‌اند، همانطور که در شکل فوق نشان داده شده است، سنت ضدیت با امپریالیسم و ژاپن شکل‌گیری ناسیونالیسم را تسهیل کرده است. ناسیونالیسم نه تنها در ایده جوچه بلکه در عبارات مهم دیگری مانند "سوسیالیسم به سبک خودمان" و "ملت ما - اولویت اول" ظهور و بروز دارد. کره شمالی با دشمنی با ژاپن و ایالات متحده توانسته است ناسیونالیسم قومی مشابه دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در دوران استعمار را حفظ کند (Shin, 2006) هم سنت چریکی ضدژاپنی و هم اصول سوسیالیستی باعث تثبیت مشروعیت حزب کارگران کره با محوریت کیم ایل‌سونگ گردید. این بنیان متمایز

سوسیالیستی ارتباط متقابل بین حزب کارگران کره و ارتش خلق کره از دکتین لنینیستی در مورد روابط حزبی - نظامی سرچشمه گرفت و با استقرار نهاد کمیسر در ارتش خلق کره در سال ۱۹۶۹ به اوج خود رسید (Kim S.C, 2009:6).

۳. تکوین خود و دیگری: کره شمالی و دیگران

روایت بیوگرافیک کره شمالی از طریق مجموعه‌ای از بازنمایی‌ها از خود کره شمالی و دیگر (های) مرتبط با آن نیز مشخص می‌شود. گفتمان کره شمالی فراتر از ترسیم مرز بین خود و دیگری است و علاوه بر آن، با تمایز واضح خوب و بد، درست و نادرست، اخلاقی و غیراخلاقی، ویژگی هر قلمرو را مشخص می‌کند. بولتون (Bolton, 2017) با تحلیل گفتمان در آثار منتخب کیم ایل سونگ جلد ۱-۵ (۱۹۴۶-۱۹۷۳) و سخنرانی سالانه وی در سالهای ۱۹۷۴ - ۱۹۹۵ نتایج زیر خود و دیگری را به ترتیب فراوانی به صورت زیر ثبت کرده است:

۱۰۹



جدول شماره ۲: روایت کره شمالی از خود و دیگری (Bolton, 2017)

خود	خود زمانی (تاریخی)	دیگری مثبت	دیگری منفی	دیگری کره جنوبی
مستقل	استعمار شده و مظلوم	ضد امپریالیست ها	امپریالیسم	دیکتاتوری فاشیستی
اقتصاد خودکفا	عقب مانده	دولتهای سوسیالیستی	آمریکای امپریالیست	مستعمره
سوسیالیست	متفعل	دولتهای صلح جو	متجاوزین	فرهنگ سرکوب شده
قدرتمند	فئودالیت کفوسیوسی	کشورهای جهان سوم	استعمارگرایان و استعمارکنندگان	غیراخلاقی
متحد	عدم اعتقاد به قدرت خود	چین و روسیه	ضد کمونیست	توهین ملی
وطن دوست	فامیل گرایی	مردم جهان پیشرو	تسلیمات مدرن	
مدرن		دولتهای غیر متعهد		
دفاع از خود		مردم آسیا		
قهرمان		کمونیست ها		
ضد ژاپن				
فرهنگ و تمدن ملی غنی				

تصاویر خود و دیگری در سه قانون اساسی کره شمالی سالهای ۱۹۴۸، ۱۹۷۲ و ۱۹۹۲ نیز یافته‌های فوق را تأیید می‌کنند. سه قانون اساسی، همراه با تجزیه و تحلیل سخنرانی‌ها و زندگی‌نامه‌های کیم ایل سونگ، نشان می‌دهد که فراروایت و مفاهیم خود-دیگری کره شمالی، نسبتاً ثابت مانده است. قوانین اساسی به وضوح نشان می‌دهند که چگونه ساختارهای قدرت از طریق روایت ملی مشروعیت می‌یابند، یعنی تغییر مدل «کاریزماتیک» وبر از مشروعیت به ساختارهای متمرکز قدرت و مهمتر از همه، "نمایش‌های توده‌ای" ملهم از ایدئولوژی جوچه. بنابراین جوچه نماد هویت کره شمالی شد. از طریق جوچه، کیم به طور همزمان مردم کره را متشکل و موقعیت خود را تضمین کرد.

۴. زمینه‌مندی روایت بیوگرافیک

با عنایت به سیر تاریخی و پیگیری فرایند تحولات کره شمالی مشخص است که ایدئولوژی جوچه به عنوان بستر و زمینه روایت بیوگرافیک این کشور قلمداد می‌شود. جوچه علاوه بر ویژگی‌های مشروعیت بخشی به حاکمیت، ناسیونالیسم کره شمالی را نشر داده و نسخه‌های متمایز خود و دیگری را بنیان می‌نهد. این ایدئولوژی از سال ۱۹۵۵ در برنامه ریزی رسمی کشور گنجانده شده و بر سه رکن اصلی استوار است: استقلال سیاسی (چاجو)؛ استقلال نظامی (چاوی) و استقلال اقتصادی (چارپ) جوچه در پرتو مفهوم مهم دیگری به نام سوریونگ یا رهبر تفسیر می‌شود که معتقد است رهبر تنها کسی است که قادر به تعیین محتوای جوچه است و مانع از انحرافات ایدئولوژیک می‌شود. جوچه به عنوان یک فلسفه شامل سه عنصر اساسی طبیعت، جامعه و انسان است. انسان طبیعت را متحول می‌کند و سازنده جامعه و سرنوشت خودش است. قلب پویای جوچه رهبر است که مرکز جامعه و عنصر هدایت کننده آن محسوب می‌شود. جوچه به این ترتیب ایده هدایت کننده فعالیت‌های مردم و توسعه کشور است. از هنگام ابداع این مفهوم در کره شمالی توسط کیم ایل سونگ تاکنون این ایدئولوژی نقش مهمی را در جهت گیری‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشور ایفاء نموده است (Szczepanski, 2018). رکن چاوی (استقلال نظامی) به شکل سیاستی آشکارا جنگ طلبانه منصفه ظهور پیدا کرده است که هدف آن مقابله و بازدارندگی هرگونه «حرکت امپریالیستی تجاوز و جنگ» و تهدید نظامی است. بنابراین، نه تنها ایجاد نیروهای مسلح قدرتمند برای دفاع از استقلال ملی ضروری است بلکه بسیج دسته جمعی برای دفاع از ایدئولوژی جوچه نیز اجتناب ناپذیر است. بعلاوه، نیاز به تجهیز نیروهای مسلح به سلاح‌های تولید شده در داخل کشور، شرایط مورد نیاز برای حمایت از چارپ (استقلال اقتصادی) را ایجاد خواهد کرد.

توسعه مؤثر سلاح‌های هسته‌ای و به دست گیری قدرت توسط کیم جونگ اون تغییرات سیاسی بیشتری را ضروری کرد. کیم جونگ اون تفسیر جوچه را با اتخاذ رسمی سیاست بیونگ جین یا توسعه موازی تسلیحات هسته‌ای و توسعه اقتصادی در ۳۱ مارس ۲۰۱۳

روز آمد کرد. این رویکرد طرفدار پیگیری توسعه اقتصادی همراه با تقویت زرادخانه هسته‌ای است. به عبارت دیگر، هنگامی که سلاح هسته‌ای به دست آمد، می‌توان ارکان استقلال نظامی (چاوی) و استقلال اقتصادی (چارپ) را با اهمیتی مساوی و برابر تلقی کرد. گرچه جوچه در نهایت به یک موجودیت شبه فلسفی - مذهبی برای مشروعیت بخشی به خاندان کیم و از بین بردن سایر روایت‌ها و صداها در کره شمالی استفاده گردید، ولی مهم‌ترین ویژگی آن، روایت ملی گرایانه آن است. بنابراین، تمرکز صرف بر ویژگی‌های مشروعیت‌بخشی جوچه و نادیده گرفتن ناسیونالیسم گسترده و نسخه‌های متمایز خود و دیگری که این ایدئولوژی نشر می‌دهد، نادرست به نظر می‌رسد. (Kim, 1982: 58-59) ادوارد هاول (Howell, 2020) معتقد است دکترین هسته‌ای کره شمالی عمیقاً در ایدئولوژی ملی جوچه ریشه دارد. کره شمالی به دو دلیل برنامه هسته‌ای خود را در درون این ایدئولوژی قرار داده است: اول شکل دهی هویت کره شمالی علیه آمریکا و دوم تقویت مشروعیت داخلی و هویت ملی به گونه‌ای که موجب پایداری رژیم شود.... ایدئولوژی جوچه بیانگر استقلال در سه حیطه است: سیاست، دفاع و اقتصاد. از نگاه کره شمالی توسعه تسلیحات هسته‌ای صرفاً برای بازدارندگی در مقابل دشمنان محیط بین‌المللی به رهبری آمریکا نیست بلکه تسلیحات هسته‌ای برای هویت رژیم کره شمالی به عنوان یک قدرت مستقل نقش مرکزی و حیاتی دارد. از دیدگاه هاول روندی که دکترین هسته‌ای کره شمالی در چارچوب ایدئولوژی جوچه قرار می‌گیرد دارای چهار گام است. اول: کره شمالی برنامه هسته‌ای را در هماهنگی با ایدئولوژی ملی خود طرح می‌کند. دوم: کره شمالی بر مبنای ایدئولوژی دولتی از شعار و لفاظی برای توجیه ارتقای برنامه هسته‌ای برای مردم خود استفاده می‌کند. سوم: انتشار ایدئولوژی جوچه جهت تمامی مردم کره شمالی به صورت اعتقاد عمومی به دکترین هسته‌ای به عنوان هسته مرکزی ایدئولوژی بیان می‌شود. چهارم: ادغام دکترین هسته‌ای در درون ایدئولوژی ملی موجب دستیابی به مشروعیت داخلی شده و موافقت مردمی با رژیم موجب استمرار بقاء آن می‌شود.

۵. لحظات سرنوشت ساز (مقاطع بحرانی و سازگاری)

در اوایل دهه ۹۰ میلادی چندین رخداد وضعیت بحرانی برای کره شمالی ایجاد کرد که روالمندی آن کشور را مختل کرد. این رخدادها عبارت بودند از: فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، مرگ بنیانگذار کره کیم ایل سونگ در سال ۱۹۹۴، قحطی بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸. فروپاشی شوروی هویت سوسیالیستی و امنیت بین‌المللی کره شمالی را مورد تهدید قرار داد. مرگ کیم ایل سونگ ناسیونالیسم مبتنی بر رهبری را دچار اختلال کرد و قحطی نیز نظام اجتماعی کره شمالی را خدشه دار ساخت. در چنین شرایطی براساس مفروضات رویکرد امنیت هستی‌شناختی، کره شمالی دچار عدم قطعیت و اضطراب گردید. دولت‌ها به منظور پاسخگویی به بحران‌های به وجود آمده به صورت بازتابی مفصل‌بندی مجددی از روایت بیوگرافیک خود انجام داده یا هویت و روالمندی موجود را تقویت و تحکیم می‌کنند. نتیجه تلاش کره شمالی برای فائق شدن بر عدم قطعیت، بازتولید روایت بیوگرافیک بر مبنای ملی‌گرایی افراطی و تشدید برنامه‌های هسته‌ای بوده است.

۶. شکل‌گیری روایت بیوگرافیک هسته‌ای

در طول دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، کره شمالی به طور مداوم ادعا می‌کرد که سلاح هسته‌ای در اختیار ندارد و برنامه هسته‌ای خود را مستقیماً به نیازهای فوری انرژی کشور مرتبط می‌نمود. بحران‌های دهه ۹۰ و همچنین حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نقطه عطفی در سیاست خارجی و استراتژی امنیتی کلی کره شمالی ایجاد کرد و تأثیر عمیقی بر ساخت هویت دولتی آن کشور پس از جنگ سرد داشت. در این شرایط، کره شمالی برای اولین بار ادعا کرد که حق طبیعی تولید سلاح هسته‌ای را دارد تا از دولت و ملت خود در برابر آنچه به عنوان سیاست خصمانه آمریکا با هدف خفه کردن کره شمالی توصیف می‌کرد محافظت کند. در فوریه ۲۰۰۵ کره شمالی به طور علنی اعلام کرد که تسلیحات هسته‌ای را با موفقیت تولید کرده است، لفاظی‌هایش اکنون از ساختن سلاح هسته‌ای به تقویت بازدارندگی هسته‌ای‌اش تبدیل شده بود (Hayes and Bruce, 2011). اولین آزمایش هسته‌ای در اکتبر ۲۰۰۶ گام مهمی در دست‌یابی کره شمالی به تسلیحات هسته‌ای و بازنمایی خود به عنوان یک کشور دارای سلاح هسته‌ای

بود. پس از این آزمایش، متون کره شمالی بر اهمیت تسلیحات هسته‌ای بیش از پیش تأکید کردند. آزمایش هسته‌ای نه تنها به درک کره شمالی به عنوان یک کشور قدرتمند نظامی مهر تأیید زد، بلکه در اختیار داشتن سلاح‌های هسته‌ای اکنون به عنوان یک رویداد منحصربه‌فرد در تاریخ ملی شناخته شد.

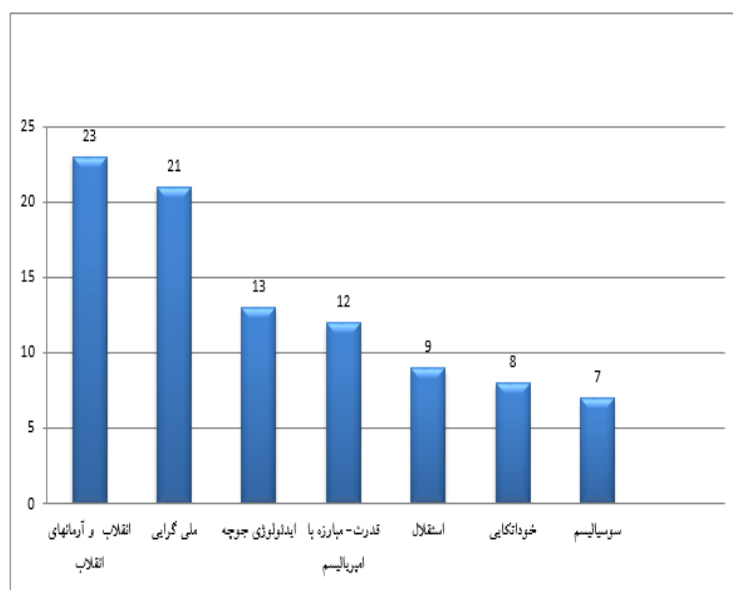
پس از اولین آزمایش هسته‌ای، کره شمالی تلاش کرد خود را به عنوان یک قدرت هسته‌ای مسئول نشان دهد که تهدیدی علیه دیگران نیست، بلکه کمکی به صلح در شبه جزیره کره و در شمال شرق آسیا خواهد بود. در یکی از پوسته‌های نمادین آمده بود: «سلاح‌های هسته‌ای ایالات متحده فاجعه آمیز است، اما سلاح‌های هسته‌ای مردم کره نوید صلح و شادی را می‌دهد» (Ballbach, 2015) از این رو، کره شمالی تلاش کرد تصویری از خود به عنوان یک کشور دارای تسلیحات هسته‌ای مسئول و مشروع و مسلح به این سلاح‌ها صرفاً برای بازدارندگی در برابر حملات هسته‌ای یا غیرهسته‌ای خارجی، به ویژه ایالات متحده، ارائه دهد. در سال ۲۰۱۲، کره شمالی قانون اساسی خود را اصلاح کرد و از این طریق وضعیت خود را به عنوان یک کشور دارای سلاح هسته‌ای مدون کرد. مقدمه جدید قانون اساسی تأکید می‌کند که کیم جونگ ایل کره شمالی را به یک کشور قدرتمند سیاسی و ایدئولوژیکی تبدیل کرد که شکست ناپذیر است (Ballbach, 2018).

۷. استمرار روال‌مندی کشور هسته‌ای (کیم جونگ اون ۲۰۲۲-۲۰۱۱)

در سالهای ۲۰۱۷ تا پایان ۲۰۲۲ در سخنرانی‌های رهبر کره شمالی، تأکید بر رویه‌ها و روالهای کشور در دست یابی به تسلیحات هسته‌ای و موشکی بالستیک دیده می‌شود. این تأکید در سال ۲۰۱۷ با بیشترین آزمایش هسته‌ای و موشکی از استحکام بیشتری برخوردار است. در سالهای ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ علیرغم مذاکرات رهبران آمریکا و کره شمالی تأکید بر تسلیحات هسته‌ای همچنان وجود دارد. در متون کره شمالی در سالهای مذکور، ذکر انقلاب و آرمانهای انقلاب بیشترین فراوانی را داشته است پس از آن ملی‌گرایی، ایدئولوژی جوچه، قدرت، استقلال، سوسیالیسم و خوداتکایی ذکر شده‌اند. بنابراین روایت بیوگرافیک رهبران کره شمالی یا درک از خود این کشور عبارت است از

اینکه کره شمالی یک کشور انقلابی مبتنی بر ملی گرایی و ایدئولوژی جوچه، مستقل، سوسیالیست و خوداتکاء (خودکفا) است.

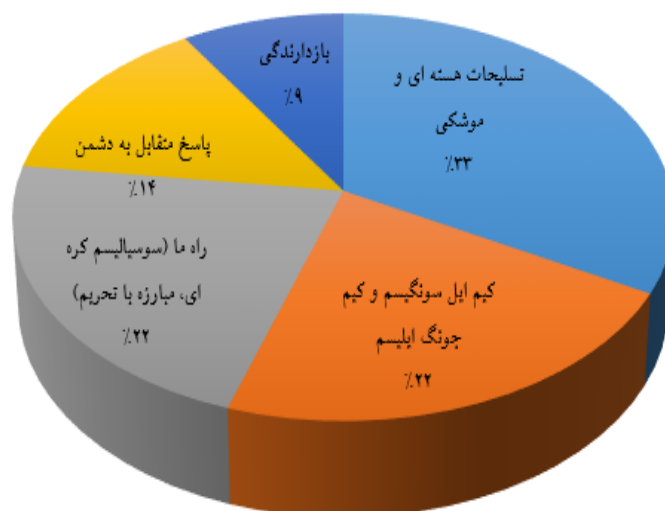
نمودار شماره ۲: فراوانی مفاهیم در متون کره شمالی (۲۰۱۷-۲۰۲۲) در ارتباط با روایت بیوگرافیک کشور



براساس متون مورد بررسی در سالهای فوق کره شمالی برای تأمین نیازهای امنیت هستی شناختی خود رویه‌ها و روالهای زیر را انتخاب کرده است:

- دست یابی به تسلیحات هسته‌ای و موشکی
- پیروی از آموزه‌ها و فرمان‌های دو رهبر سابق کشور کیم ایل سونگ و کیم جونگ ایل
- پیروی از سوسیالیسم مدل کره شمالی
- رویکرد تقابلی و رقابتی (مبارزه با دشمن)
- استفاده از ابزارهای نظامی برای ایجاد بازدارندگی

نمودار شماره ۳: فراوانی مفاهیم در متون کره شمالی (۲۰۱۷-۲۰۲۲) در ارتباط با رولمندی (کنش‌های رولمنده)



۸. تعارض پایدار کره شمالی و آمریکا: شکست مذاکرات و استمرار برنامه هسته‌ای

کره شمالی

ایالات متحده در چهار مجموعه اصلی مذاکرات رسمی هسته‌ای و موشکی با کره شمالی شرکت داشته است که عبارتند از: چارچوب توافق شده دوجانبه (۱۹۹۴-۲۰۰۲)، مذاکرات موشکی دوجانبه (۱۹۹۶-۲۰۰۰)، مذاکرات شش جانبه (۲۰۰۳-۲۰۰۹) و نشست‌های سران و تبادل نامه بین رئیس‌جمهور دونالد ترامپ و رهبر کره شمالی کیم جونگ اون (۲۰۱۸-۲۰۱۹). به طور کلی، صورت بندی این مذاکرات از جانب آمریکا این بوده است که کره شمالی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خود را در ازای مشوق‌های اقتصادی و دیپلماتیک، از جمله وعده بهبود روابط با آمریکا و پایان رسمی جنگ کره، به

صورت کامل، راستی‌آزمایی‌شده و برگشت ناپذیر متوقف کند. اما هیچ یک از این مذاکرات به نتیجه نرسیدند.

۸-۱. گفتگوی مستقیم رهبران کره شمالی و آمریکا ۲۰۱۶-۲۰۱۸

در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، کره شمالی سه آزمایش هسته‌ای انجام داد که نشان دهنده فعالیت شدید این کشور برای توسعه برنامه‌های هسته‌ای بود. دولت ترامپ در اولین سال ریاست جمهوری، سیاست «فشار حداکثری» را در قبال کره شمالی اتخاذ کرد. برخلاف سیاست صبر استراتژیک اوباما، دولت ترامپ بر گزینه حمله نظامی پیشگیرانه علیه کره شمالی تأکید و مقدمات درگیری نظامی را فراهم کرد که به طور قابل توجهی تنش‌ها را در شبه جزیره کره افزایش داد. ترامپ و رهبر کره شمالی کیم جونگ اون توهین‌های علنی خصمانه‌ای علیه یکدیگر رد و بدل کردند. رئیس جمهور آمریکا در آگوست ۲۰۱۷ اظهار داشت: «کره شمالی بهتر است دیگر تهدیدی متوجه آمریکا نکند. زیرا با آتش و خشمی مواجه خواهد شد که جهان هرگز به خود ندیده است» (White House, 2017). یک ماه بعد، در سخنرانی ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل، این لفاظی به اوج خود رسید. ترامپ در این سخنرانی که یادآور «محور شرارت» بوش بود، هشدار داد که «ایالات متحده قدرت و صبر زیادی دارد، اما اگر مجبور شود از خود یا متحدانش دفاع کند، چاره‌ای جز نابودی کامل کره شمالی نخواهد داشت. ... مرد موشکی در یک مأموریت انتحاری است» (Gause, 2021) دو روز بعد، کیم جونگ اون در پاسخ، ترامپ را فردی «خرفت» خواند که در آستانه کھولت قرار دارد. وی سخنان ترامپ را اعلام جنگ توصیف کرد و قول داد که کره شمالی «با جدیت بالاترین سطح مقابله در تاریخ را در نظر خواهد گرفت»

از منظر ایالات متحده، کره شمالی متعهد به حفظ توان هسته‌ای خود بود و تنها تهدید به زور می‌توانست آن را تغییر دهد. متقابلاً کره شمالی موجودیت رژیم خود را در معرض تهدید دید. در جلسه کمیته مرکزی به مناسبت تأسیس حزب کارگران کره، کیم جونگ اون متعهد شد که به سیاست بیونگجین (پیشرفت همزمان هسته‌ای و اقتصادی) خود ادامه دهد و خاطرنشان کرد که تسلیحات هسته‌ای کره شمالی «ثمره گرانبهائی است که

از مبارزات خونین مردم کره شمالی برای دفاع از سرنوشت و حاکمیت کشور در مقابله با تهدیدات هسته‌ای طولانی مدت امپریالیست‌های آمریکا حاصل شده است (Ibid:18). در نوامبر ۲۰۱۷، کیم جونگ اون موشک هواسونگ^۱ را مورد آزمایش قرار داد. روز بعد، وی اعلام کرد که کره شمالی قادر به حمله هسته‌ای است و اکنون یک "دولت هسته‌ای" تمام عیار است. اما طوفان سال ۲۰۱۷، در اوایل سال ۲۰۱۸ با وساطت رئیس‌جمهور کره جنوبی مون جائه این^۲ فروکش کرد و در نهایت با سفرهای محرمانه پمپئو رئیس وقت سازمان سیا به کره شمالی و دیدار با کیم جونگ اون مقدمات نشست سران آمریکا و کره شمالی فراهم شد. ترامپ با تغییر آشکار موضع خود، به مبادله پیام‌های دوستانه با رهبر کره شمالی پرداخت.

۸-۲. نشست ژوئن ۲۰۱۸ سنگاپور

نشست ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ بین ترامپ و کیم اولین دیدار بین رئیس‌جمهور مستقر ایالات متحده و رهبر کره شمالی بود. ترامپ و کیم در نشست یک روزه خود بیانیه مشترک کوتاهی صادر کردند که در آن ترامپ متعهد به ارائه تضمین‌های امنیتی به کره شمالی شد و کیم دوباره بر تعهد قاطع و تزلزل‌ناپذیر خود برای خلع سلاح کامل شبه جزیره کره تأکید کرد. سند سنگاپور نسبت به توافقات هسته‌ای قبلی با کره شمالی کوتاه‌تر و دارای ابهام بود و به عنوان بیانیه‌ای از اصول به چهار موضوع عادی سازی روابط دوجانبه، امضاء موافقت نامه صلح، خلع سلاح کامل شبه جزیره و بازیابی بقایای هزاران سرباز آمریکایی که در طول جنگ کره شناسایی نشده بودند پرداخت (Congressional Research Service, 2021: 13). طرفین بر ادامه مذاکرات توافق کردند. ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی پس از دیدار با کیم اعلام کرد که ایالات متحده مانورهای نظامی سالانه آمریکا و کره جنوبی را به حالت تعلیق در می‌آورد، مگر اینکه مذاکرات در مسیر دلخواه پیش نرود (Bolton, 2020). در بیانیه سنگاپور هیچ اشاره‌ای به برنامه موشک‌های بالستیک کره شمالی نشده بود. همچنین هیچ چارچوب زمانی برای اجرا یا هیچ اشاره‌ای به مکانیسم‌های راستی‌آزمایی برای فرآیند خلع سلاح هسته‌ای پیش بینی نشده بود.

¹ Hwasong-15

² Moon Jae-in

ابهام موجود در سند سنگاپور موجب شد تا مسیر برای ادامه مذاکرات و پیشرفت در توافق نیز دچار ابهام شود. در هفته‌های پس از نشست، به نظر می‌رسید که کره شمالی منتظر است که ایالات متحده گام‌های ملموسی برای برقراری روابط جدید و رژیم صلح بردارد. در همین حال، ایالات متحده نیز به دنبال این بود که قبل از ادامه اقدامات دیگر، کره شمالی گام‌های مشخصی برای خلع سلاح هسته‌ای بردارد. برای ماه‌ها به نظر می‌رسید که دیپلماسی ایالات متحده و کره شمالی تا حد زیادی متوقف شده است.

۸-۳. فوریه ۲۰۱۹ نشست هانوی، شکست مذاکرات

سران دو کشور آمریکا و کره شمالی مجدداً در روزهای ۲۷ و ۲۸ فوریه ۲۰۱۹ در هانوی، پایتخت ویتنام، دیدار کردند. با این حال، به دلیل اختلاف نظر در مورد زمان و ترتیب امتیازات، به ویژه اقدامات خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی در ازای رفع تحریم‌ها، نشست بدون توافق پایان یافت. علاوه بر اختلاف نظر پیرامون چگونگی خلع سلاح هسته‌ای، دو طرف در موضوع لغو تحریم‌ها نیز مواضع متفاوتی داشتند. کره شمالی لغو تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل که از سال ۲۰۱۶ اعمال شده و صادرات زغال‌سنگ، آهن، منسوجات، غذاهای دریایی و سایر مواد معدنی و واردات نفت را هدف قرار داده بود درخواست کرد. ایالات متحده این پیشنهاد را رد کرد. براساس گزارش بولتون کیم پیشنهاد ترامپ مبنی بر کاهش تحریم‌ها به جای حذف تقریباً کامل آن‌ها را رد کرده بود.

۹. تحلیل داده‌ها

پس از نشست بی نتیجه هانوی موضع کره شمالی به طور قابل توجهی سخت‌تر شد. تسلیم شدن کره شمالی به خواست آمریکا برای حذف کامل تسلیحات هسته‌ای با هویت اعلامی آن کشور به عنوان یک کشور هسته‌ای قدرتمند مغایرت داشت. در اواخر دسامبر ۲۰۱۹، کیم اعلام کرد که به دلیل سیاست‌های ایالات متحده برای "خفه کردن کامل کره شمالی ... هیچ توجیهی برای این کشور وجود ندارد تا به توقف آزمایش‌های هسته‌ای و موشکی خود ادامه دهد." کیم از ادامه تحریم‌ها، مانورهای نظامی کره جنوبی و ارسال تجهیزات نظامی پیشرفته به این کشور انتقاد کرد و هشدار داد که «جهان شاهد یک

سلاح استراتژیک جدید خواهد بود که کره شمالی در آینده نزدیک در اختیار خواهد داشت (KCNA, January 1, 2020).

جدول شماره ۳: روایت بیوگرافیک و روال‌مندی پس از شکست مذاکرات سران

روایت بیوگرافیک	فراوانی	کنش - روال‌مندی	کارگزاران دولتی	ارجاع روایتی
آرمانهای انقلاب، سوسیالیسم و جوجه	۵۲٪	اجرای سیاست کیم ایل سونگیم - کیم جونگ ایل تحقق آرمان سوسیالیستی	کیم جونگ اون	وظیفه تاریخی و مهم دولت کره تحقق آرمان سوسیالیسم با الگوبرداری کل جامعه از کیم ایل سونگیم و کیم ایل جونگیم است
استقلال	۲۱٪	قدرت هسته ای و موشکی، افزایش توانمندی نظامی - دفاع از خود	کیم جونگ اون	این موضع ثابت و ثابت کره شمالی است که به خط انقلابی استقلال در ساخت و فعالیت های دولتی پایبند باشد.
خودکفائی / خوداتکائی	۱۶٪	قدرت علمی - اقتصاد ملی - مبارزه با تحریم - اقتصاد دانش بنیان	کیم جونگ اون	خواست آمریکا (خلع سلاح هسته ای) با منافع اساسی کشور مغایرت دارد
مبارزه با نیروی خشم	۱۱٪	تلاش برای اتحاد شبه جزیره - پاسخ متقابل - عقب نشینی دشمن از خصومت ورزی - مبارزه با تحریم -	کیم جونگ اون	سیاست خصمانه آشکار ایالات متحده در قبال کره شمالی طبیعتاً اقدامات مربوطه ما را به همراه خواهد داشت

۱۲۰

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سی‌و‌نهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی پنجاهمین،

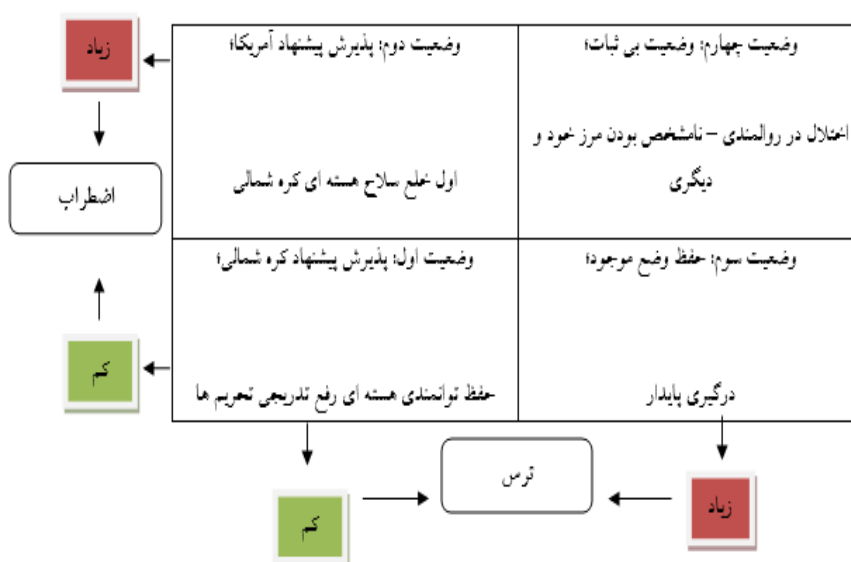
پاییز ۱۴۰۲

حفظ روایت بیوگرافیک خود حاضر به پذیرش پیشنهاد آمریکا یعنی حذف کامل برنامه‌های هسته‌ای کشور نگردید. جدول فوق نشان از پایداری خط مشی کره شمالی از

زمان کیم ایل سونگ تاکنون دارد. روایت‌ها و روال‌مندیها دست نخورده باقی ماندند گرچه فراوانی روائی نسبت به دوره کیم ایل سونگ کمی متفاوت گردید و درصد فراوانی مبارزه با امپریالیزم در دوره کیم ایل سونگ و کیم ایل جونگ بیشتر بوده است و اکنون بخشی از آن بین سوسیالیسم و خودکفائی تقسیم شده است. به عبارت دیگر، گرایش کیم جونگ اون در دوره پسا هانوی به سمت توسعه سوسیالیسم جوچه و در عین حال پی‌گیری برنامه‌های هسته‌ای و موشکی معطوف شده است.

بر مبنای نظریه رومیلیلی در خصوص تأثیر امنیت هستی‌شناختی بر تداوم درگیری‌ها با تمرکز بر تمایز دو مفهوم ترس و اضطراب (Rumelili 2015: 12) حل درگیری روال‌مند موجب ناامنی هستی‌شناختی از طریق کاهش و حذف ترس و افزایش اضطراب (اضطراب صلح) خواهد شد. خدشه دار شدن قطعیت، تولید ابهامات اخلاقی و مهم‌تر از همه گسست روالها و عاداتها که اضطراب در زندگی روز مره را کنترل می‌نمودند موجب می‌شوند تا کشورها برای تأمین امنیت هستی‌شناختی روالها را بازتولید و روایت بیوگرافیک را مورد تأیید مجدد قرار دهند. جدول زیر که با انطباق نظریه رومیلیلی بر مذاکرات آمریکا و کره شمالی ترسیم شده است نشان می‌دهد که اجتناب از اضطراب و عدم قطعیت موجب انتخاب وضعیت سوم توسط رهبران کره شمالی شده است.

جدول شماره ۴: رابطه بین اضطراب و ترس در مذاکرات کره شمالی بر اساس دیدگاه رومیلی



با توجه به جدول فوق می‌توان ۴ وضعیت را متصور شد:

➤ وضعیت اول: پذیرش پیشنهاد کره شمالی از سوی آمریکا (گزینه مطلوب کره شمالی)

امنیت فیزیکی + امنیت هستی شناختی

ترس کم + اضطراب کم

➤ وضعیت دوم: پذیرش پیشنهاد آمریکا (گزینه مطلوب آمریکا)

امنیت فیزیکی + ناامنی هستی شناختی

ترس کم + اضطراب زیاد

➤ وضعیت سوم: حفظ وضع موجود (درگیری پایدار)

ناامنی فیزیکی + امنیت هستی شناختی

ترس زیاد + اضطراب کم

➤ وضعیت چهارم: وضعیت بی‌ثبات (افزایش تهدیدات)

ناامنی فیزیکی + ناامنی هستی شناختی

ترس زیاد + اضطراب زیاد

همانگونه که در جدول فوق مشهود است پذیرش پیشنهاد آمریکا مستلزم اضطراب بالا و در نتیجه ناامنی هستی شناختی بود و لذا مورد قبول کیم جونگ اون قرار نگرفت و در نتیجه ترجیح وی گزینه وضعیت سوم یعنی حفظ وضع موجود بوده است.

بر مبنای نظریه میتزن مبنی بر ترجیح دولتها بر حفظ ثبات محیط ادراکی و روالمندی، محیط ادراکی با ثبات که کنش کره شمالی را میسر می‌ساخت در صورت حذف برنامه‌های هسته‌ای دچار تزلزل و عدم قطعیت می‌شد که این امر موجب ناامنی هستی‌شناختی این کشور می‌شده است. در چنین شرایطی کره شمالی برای حفظ امنیت هستی شناختی، امنیت فیزیکی خود را به خطر انداخته و به سمت تداوم درگیری رفته است. تاکید برنت استیل بر اجتناب دولتها از شرم که محصول گسست‌های هویتی است در تبیین استمرار برنامه‌های هسته‌ای کره شمالی نیز حائز اهمیت است. شرم متعاقب درک دولت از ناسازگاری اعمالش با روایت بیوگرافیک و هویت شخصی به وجود می‌آید. بنابراین، اجتناب از شرم ایجاب می‌کرد تا کره شمالی طرح هسته‌ای‌زدایی پیشنهادی آمریکا را رد کرده و به برنامه هسته‌ای خود و در نتیجه تعارض با آمریکا ادامه دهد. نگارنده همچنین در روش پژوهش خود علاوه بر تحلیل متنی گفتمان، از تکنیک ردیابی فرایند¹ نیز برای نشان دادن فرایندهای تأثیر متغییر مستقل (مدلولات رویکرد امنیت هستی شناختی) بر متغییر وابسته (استمرار برنامه هسته‌ای کره شمالی) استفاده کرده‌است. نمودار زیر نشان می‌دهد که چگونه دو فرایند موازی تاریخی منجر به شکل گیری روایت بیوگرافیک کره شمالی که شرح آن در صفحات قبل آمد شده‌اند و حفظ این روایت به استمرار برنامه‌های هسته‌ای این کشور منجر گردید.

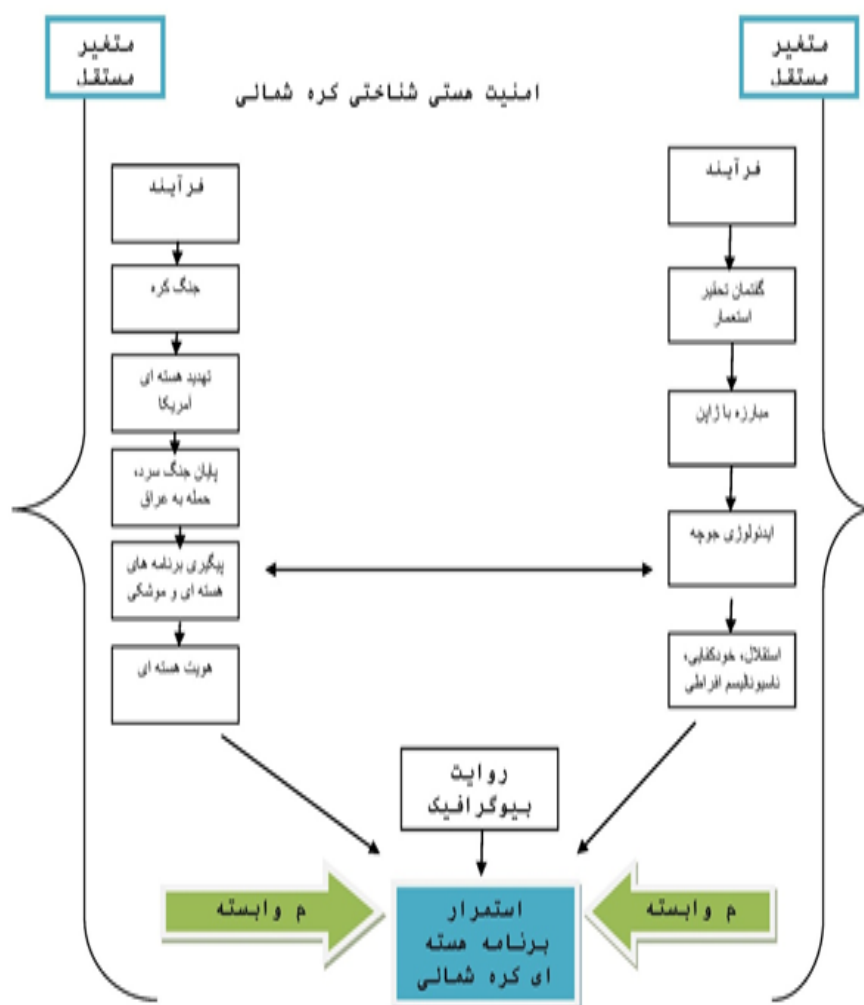
۱۲۳

روابط بین الملل

مذاکرات هسته‌ای
آمریکا و کره شمالی
از منظر رویکرد
امنیت
هستی‌شناختی

¹ Process – tracing method

نمودار شماره ۴: تکنیک ردیابی فرآیند تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته



۱۲۴

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سی‌و‌نهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی پنجاهمین،

پاییز ۱۴۰۲

نتیجه گیری

تحولات در کره شمالی و شبه جزیره کره در سالهای ۲۰۲۰-۲۰۱۷ تحولاتی نادر در تاریخ منطقه محسوب می‌شوند. دستیابی کره شمالی به بمب هیدروژنی و موشک بالستیک قاره پیما (ICBM)، ظهور ترامپ در آمریکا و قرار گرفتن شبه جزیره در آستانه یک جنگ وحشتناک در سال ۲۰۱۷، سفرهای محرمانه رئیس سازمان سیا به کره شمالی و سپس دوستی غیرمنتظره و ناگهانی ترامپ با کیم جونگ اون در ۲۰۱۸ و سه دیدار در سطح سران دو کشور، گذر ترامپ از خط مرزی میان دو کره و قدم گذاشتن به خاک کره شمالی برای اولین بار توسط یک رئیس جمهور مستقر آمریکا و در نهایت شکست مذاکرات هسته‌ای با آمریکا جملگی حوادث جدیدی بودند که شبه جزیره کره در هفت دهه اخیر هرگز شاهد آن نبوده است. تحلیل متنی گفتمان رهبران کره شمالی نشان داده است که رفتار این کشور در چارچوب رویکرد امنیت هستی‌شناختی و مدلول این رویکرد یعنی حفظ روایت بیوگرافیک قابل تبیین است که تلاشی برای حفاظت و ارتقاء روایت غالب ملی است که توسط رهبران آن کشور بر اساس ایدئولوژی جوچه بیان شده است. تسلیحات هسته‌ای به هویت اعلامی دولت کره شمالی و مشروعیت حکومت خاندان کیم گره خورده است. این بدان معنا است که این کشور مبانی استراتژیک خود را از منظر روایت رهبران موروثی خود درک می‌کند، که اغلب منجر به رفتاری متناقض با انتظارات مطالعات امنیتی سنتی می‌شود. بعلاوه، این مقاله بر تعارض پایدار و تأثیر رویکرد امنیت هستی‌شناختی بر این تعارض به ویژه پایداری تعارض بین کره شمالی و آمریکا تأکید نمود و دلایل این پایداری را بر اساس چارچوب‌های امنیت هستی‌شناختی توضیح داد. این رویکرد تفسیر جدیدی در مقایسه با رویکردهای نظری واقع گرایانه ارائه می‌دهد و دلیل تداوم برخی از درگیری‌ها را تلاش دولتها برای تأمین امنیت هستی‌شناختی آنان و اجتناب از اضطراب صلح می‌داند که گرچه ممکن است امنیت فیزیکی را حاصل کند ولی امنیت وجودی را به مخاطره می‌اندازد. بنابراین، کره شمالی با تداوم درگیری پایدار با آمریکا در جستجوی تأمین امنیت هستی‌شناختی خود بوده و از اضطراب صلح ناشی از عدم قطعیت در روابط و اختلال در عاداتها و رویه‌های ثابت اجتناب کرده است. دلبستگی متصلب کره شمالی به روالهای رقابتی و خصمانه مانع از

حصول توافق گردید زیرا هر گونه اختلال در این روال، گسست از روایت بیوگرافیک را در پی داشته و ایجاد کننده اضطراب و عدم قطعیت بوده است. سخن پایانی اینکه هر گونه تلاش برای تعامل با پیونگ یانگ که فقط بر اجبار یا ایجاد انگیزه از طریق مشوق‌های مادی متمرکز باشد، بخش مهمی از محاسبات کره شمالی را نادیده می‌گیرد. به عبارت دیگر، هر ابتکاری برای مذاکرات هسته‌ای در آینده با کره شمالی باید این نکته را مد نظر قرار دهد که برنامه‌های هسته‌ای کره شمالی ایدئولوژیک و سیستمیک است و این برداشت رهبران کره شمالی همچنان روایت غالب در آن کشور است. لذا در نظر گرفتن روایت بیوگرافیک کره شمالی و اینکه چگونه این موضوع با ابتکارات پیشنهادی همخوانی دارد، حیاتی است. این امر به دلیل میزان بالای درهم تنیدگی مشروعیت دولت کره شمالی با روایت بیوگرافیک و دلبستگی متصلب به روال‌ها به قدمت بیش از هفت دهه پیچیده‌تر نیز شده است.

منابع

- استیل، برنت (۲۰۰۸). امنیت هستی شناختی در روابط بین‌الملل، ترجمه سید جلال دهقانی و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). "امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره، صص ۴۱-۷۶
- شریفی، مجید محمد؛ کرمی، امیر سعید (۱۳۹۷). "باورهای بنیادین رهبران، برداشت‌ها از تهدید و تخاصم ایالت متحده آمریکا و کره شمالی"، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم شماره ۲۹، صص ۱۲۵-۱۵۸
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مشیرزاده، حمیرا؛ خانلری، حسین (۱۳۹۹). "امنیت هستی‌شناختی و ملی شدن صنعت نفت در ایران"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۵۰، شماره ۴، صص ۱۲۶۹-۱۲۹۲
- Albright, M. (2003). *Madam Secretary*, Hyperion: New York.
- Armstrong, Charles. (2011). "Trends in the Study of North Korea", *the Journal of Asian Studies*, Vol. 70, pp. 20-40.
- Ballbach, Eric J. (2015). "Constructions of Identity and Threat in North Korea's 'Diplomatic War' Discourse", *Corea Del Norte, La Transicion Invisible*, No. 2, pp. 139-61.

- Ballbach, Eric J. (2018). "North Korea: Between Autonomy-Seeking and the Pursuit of Influence", German **Institute for International and Security Affairs**, No. 12, pp. 11-45
- Barannikova, Anastasia (2022). Korean Peninsula Nuclear Issue: Challenges and Prospects, **Journal for Peace and Nuclear Disarmament**, VOL. 5, NO. 1, pp.50-68.
- Bolton, D. (2017). **Identity Maintenance & Foreign Policy Decision-Making: The Quest for Ontological Security in the DPRK**, University of Bath.
- Bolton, J. (2020). **The Room Where It Happened, a White House Memoir**, New York: Simon and Schuster.
- Congressional Research Service (2021). "Nuclear Negotiations with North Korea". Available at <https://crsreports.congress.gov/R45033>.
- Colman, Mia. (2022). "United State- North Korea Relations", **Harvard Model Congress**, No.1, pp.1-13
- Croft, S. (2012). **Securitizing Islam: Identity and the Search for Security**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Emerson, Robert; Parnell, R. (2023). "Sanctions, Nukes and Juche: Franchising in North Korea", **Penn Carey Law**, Vol. 22, No.2, pp. 235-311.
- Gause, K. E. (2021). **North Korea: A Case Study of Asymmetric Relations**, New York: CNA Independent Research Funding.
- Giddens, A. (1991). **Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age**, Polity Press.
- Hayes, P., & Bruce, S. (2011). "North Korean Nuclear Nationalism and the Threat of Nuclear War in Korea", **Pacific Focus. NAPSNet Policy Forum 26**, pp. 65-89.
- Howell.E. (2020). "The domestic value of nuclear weapons for North Korea", **International Affairs blog**. Available at: <https://medium.com/international-affairs-blog/the-domestic-value-of-nuclear-weapons-for-north-korea-9ea12f2252>
- Hymans, J. E.C. (2008). "Assessing North Korean Nuclear Intentions and Capacities: A New Approach", **Journal of East Asian Studies**, Vol. 8, pp.259-292
- Kim, S. C. (2009). "Identity, Critical Junctures, and Adaptation: North Korea's path to Nuclear Diplomacy", **Asian Studies**, vol. 5, No. 2, pp. 1-20.
- Kim, S.C., &Cohen, M.D. (2017). **North Korea and Nuclear Weapons**, Georgetown University Press.
- Kinnvall, C. Manners, I; Mitzen J. (2021). **Ontological (in) security in the European Union**, European Security, Routledge.

- Kinnvall, C. (2004). "Globalization and religious nationalism: Self, identity, and the search for ontological security". **Political Psychology**. Vol., 25. No.5, pp. 741–67.
- Laing, R.D. (1990). **The Divided Self: An Existential Study in Sanity and Madness**. London: Penguin Books.
- Lupovici, A. (2019). **Ontological security and the continuation of the Arab–Israeli conflict**. London: Routledge.
- McSweeney, B. (1999). **Security, Identity and Interests: A Sociology of International Relations**. Cambridge University Press.
- Mitzen, J. (2006a). "Anchoring Europe's civilizing identity: habits, capabilities and ontological security". **Journal of European Public Policy**, vol.13 (2), pp.270-285.
- Mitzen, J. (2006b). **Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma**, Ohio State University, USA.
- Mitzen, J.; Larson, K. (2017). **Ontological security and foreign policy**. Oxford University Press USA.
- Park, D.; Seo, Y. (2022). "Identity Frame as the Anchor of Interstate Conflicts: The Case of the United States–North Korea Denuclearization Negotiation", **International Negotiation**, No. 27, pp. 215-246
- Peh, K.; Park, S. (2021). "Staying the Course: Denuclearization and Path Dependence in the U.S.'s North Korea Policy". **North Korean Review**, Vol. 17. No. 1, pp.57–78.
- Rehaieem, J. B. H. (2022). The Trump-Kim "Ripeness" Paradox and the Problematic "Precipitants." **North Korean Review**, Vol.18, No.1, pp. 48–71.
- Rumelili, B. (2015a). **Conflict Resolution and Ontological Security: Peace Anxieties**. London: Routledge.
- Rumelili, B. (2015b). "Identity and Desecurization: the Pitfall of Conflicting Ontological and Physical Security", **Journal of International Relations and Development**, No.18, pp.52-74.
- Shin, G.W. (2006). **Ethnic Nationalism in Korea: Genealogy, Politics, and Legacy**. Stanford: Stanford University Press.
- Sigal, L. V. (2020). "Paved with Good Intentions: Trump's Nuclear Diplomacy with North Korea", **Journal for peace and nuclear disarmament**, VOL. 3, No. 1, pp. 163–182
- Steele J. B (2008). **Ontological security in International Relations: self-identity and the IR state**, New York: Routledge.
- Szczepanski, K. (2018). "Juche North Korea's Leading Philosophy". Available at <https://www.thoughtco.com/juche-195633>
- Tillich, P. (2000). **The Courage to Be**, New Haven and London: Yale University Press.
- Willmott, H. (1986). "Unconscious sources of motivation in the theory of the subject: an exploration and critique of Giddens' dualistic

- models of action and personality” **Journal for the Theory of Social Behaviour**. No. 16, pp 105–21.
- Young, B. R. (2022). **Guns, Guerillas, and the Great Leader: North Korea and the Third World**, Stanford University Press, Stanford, California.
- Zarakol, A. (2010). “Ontological (In) security and State Denial of Historical Crimes: Turkey and Japan” **International Relations**, Vol. 24, No. 3, pp. 3-21.
- Zarakol, A. (2017). “States and ontological security: A historical rethinking” **Cooperation and Conflict**, Vol. 52, No. 1, pp. 1-21